

تصمیم رئیس تیم تحقیقات در رابطه با درخواست برخی از افراد مشخص مبنی بر حذف اسامی شان
از لیست شرکت کنندگان اصلی

1. مدتی قبل اظهار داشتیم که می‌خواهم اسامی تمام کسانی که به عنوان شرکت کننده اصلی تعیین شده اند را در وبسایت روند تحقیقات منتشر نمایم، مگر اینکه برخی از شرکت کنندگان اصلی درخواست نمایند که نام آنها نباید به هیچ صورت به اشتراک گذاشته شود و یا اینکه تقاضا نمایند تا هویت آنها از طریق نوشتن حرف اول نام آنها و یا به گونه دیگر ناشناس نگهداشته شود و منتشر نشود. من اخیراً اعلام نمودم هر فردی که می‌خواهد راجع به اصول مرتبط با قانون قابل اجرا در رابطه با موضوعاتی از این قبیل، و یا در حمایت از درخواست های شرکت کنندگان اصلی مبنی بر عدم انتشار اسامی شان، اظهاریه ای ارائه نماید باید این کار را قبل از 21 فوریه 2018 انجام دهد.

2. اکنون اظهاریه هایی را از چهار شرکت مختلف مشاورین حقوقی که از مجموعاً بیست شرکت کننده اصلی نمایندگی می‌کنند دریافت نموده‌ام. وکیلی که به نمایندگی از گروه مشاورین حقوقی متشکل از بات مورفی، بندمنز، هیکن و روز، هودج، جونز و لن و اروین ثانوی ناتاس ("پنج شرکت") فعالیت می‌نماید، اظهاریه هایی را پیرامون اصول عمومی حاکم بر انتشار اسامی شرکت کنندگان اصلی ارائه نمود و من از کمک شان در این زمینه سپاسگذارم. اظهاریه های مشخصی در رابطه با شرایط ویژه برخی از شرکت کنندگان اصلی و به نمایندگی از آنها ارائه شد. برخی از این اظهاریه ها به موضوعاتی اشاره داشت که دارای ماهیت شخصی است و بر آن دسته از شرکت کنندگان اصلی که این اظهاریه ها از طرف آنها ارائه شده بود تأثیر می‌گذارد و به این دلیل از من تقاضا شد تا این اظهاریه ها در اختیار سایر شرکت کنندگان اصلی و یا در اختیار عموم قرار داده نشود. من بعداً به این مسئله می‌پردازم اما اول لازم است تا آن دسته از اصول عمومی بررسی شود که به تصمیم گیری راجع به این موضوع مربوط می‌شود که آیا اسامی شرکت کنندگان اصلی باید منتشر شود و یا اینکه در موارد مشخص، از انتشار اسامی جلوگیری شود. لذا این بخش از تصمیم من در رابطه با تمام متقاضیان کاربرد دارد و در دسترس عموم قرار خواهد گرفت تا مورد مطالعه کسانی قرار گیرد که می‌خواهند با مبنای تصمیم گیری راجع به هر کدام از درخواست ها آشنا شوند.

اصول عمومی

3. وکلا، اصل عدالت آزاد و شفاف که در *Scott v Scott* [1913] A.C. 417 به وضوح بیان شده است را به عنوان نقطه آغاز استدلال شان در نظر گرفتند که در آن، مجلس اعیان این نظر را مطرح نمود که دادگاه عالی این صلاحیت قضایی را ندارد که بخاطر نزاکت عمومی به صورت غیر علنی تشکیل جلسه دهد. گفته شد که دادگاه تنها در صورتی صلاحیت تشکیل جلسه غیر علنی را دارد که یک نیاز جدی وجود داشته باشد و برگزاری جلسه علنی دادگاه باعث ناکامی در رسیدن به هدف مورد نظر شود. ویسکنت هلدین، این موضوع را در صفحه 438 به این شکل مطرح نموده است:

"... مسئولیت با کسانی است که تلاش می‌کنند تا در یک مورد مشخص، از استفاده از اصل عدالت آزاد و شفاف جلوگیری نمایند و این نظر را مطرح کنند که این ملاحظه بزرگتر باید بر قاعده معمول ترجیح داده شود. این مسئله به هیچ وجه از جمله مسائلی نیست که مطابق با روحیه رویه قضایی

ما، بتواند توسط قاضی مبتنی بر قضاوت خود وی که چه چیزی مصلحت آمیز است، مورد رسیدگی قرار گیرد. قاضی باید آن را به عنوان یکی از اصول و به عنوان یک متغیر مبتنی بر نیاز و نه مبتنی بر راحتی تلقی نماید."

معیار نیاز در *Al Rawi v Security Service* [2012] 1 A.C. 531 per Lord Dyson J.S.C. (پاراگراف 26) تایید شده است.

4. اهمیت عدالت آزاد و شفاف به عنوان یک اصل بنیادی برای حفظ حاکمیت قانون در بسیاری از موارد اخیر تصریح شده است. لرد سمشیون در *Khuja v Times Newspapers Ltd* [2017] 3 W.L.R. 351 این نظر را مطرح نمود که اهمیت عدالت آزاد و شفاف در عصری که اهمیت روزافزونی به حسابدگی و مسئولیت پذیری مقامات و ادارات حکومتی و دسترس بودن اطلاعات راجع به انجام وظایف شان داده می شود، افزایش یافته است (پاراگراف 13). ممکن است که این اصل به صورت اجتناب ناپذیر، با حق احترام به زندگی خصوصی در چارچوب ماده 8 کنوانسیون اروپایی راجع به حقوق بشر در تداخل قرار گیرد اما این حق مطلق نیست همانطوریکه در خود ماده 8 روشن شده است. تداخل اگر مطابق با قانون باشد، می تواند توجیه شود و در یک جامعه دموکراتیک برای حفاظت از حقوق و آزادی های دیگران مورد نیاز باشد. بر این اساس، این مشکل اساساً یکی نمونه از حقوق متعارض می باشد: حق افراد مبنی بر احترام به زندگی خصوصی آنها و حق مردم مبنی بر اینکه عدالت به درستی تأمین شود. در مواردی که تصمیم اتخاذ شده است، از این نتیجه گیری حمایت شده است که به صورت عموم، اهمیت عدالت آزاد و شفاف به اندازه ای زیاد است که می تواند بر حق احترام به زندگی خصوصی ارجحیت پیدا کند.

5. بخش 17 قانون تحقیقات، این وظیفه را بر دوش رئیس تیم تحقیقات می گذارد تا اطمینان حاصل نماید که روند تحقیقات به شکل عادلانه انجام می شود. همچنین مهم است تا به خاطر داشته باشیم که قانون عمومی نیز الزامات خاص خود را وضع می کند. لرد کارسول در *In re Officer L* [2007] UKHL 36, [2007] 1 W.L.R. 2135 (پاراگراف 22) در سخنرانی خود به آن دسته از اصول قانون عمومی پرداخت که به ناشناس نگهداشتن شهودی مربوط می شود که برای ارائه شهادت در تحقیقات عمومی احضار می شوند. وی این اصول را واضح و در برخی از جنبه ها، متفاوت از اصولی دانست که بر اتخاذ تصمیم مطابق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حاکم است. ترس های ذهنی، حتی اگر دلایل آن به خوبی روشن نباشد، باید در نظر گرفته شود چراکه ناعادلانه و اشتباه است که یک شاهد را در معرض ترس های نشأت گرفته از ارائه شواهد قرار دهیم مخصوصاً در صورتیکه فکر شود که این امر می تواند بر سلامتی شاهد تأثیر منفی داشته باشد. اما هنوز لازم است تا حد امکان، ماهیت و میزان جدی بودن این ترسها را مورد ارزیابی قرار دهیم و تلاش نماییم تا یک تعادل را بین منافع فرد و منافع عموم به صورت کل ایجاد نماییم: در یک چارچوب پر چالش تر به سند ذیل (پاراگراف 23) مراجعه نمایید:

In the Matter of an Application by A and others (Nelson Witnesses) for Judicial review [2009] NICA 6 per Girvan L.J.

6. اصول عدالت آزاد و شفاف کاملاً در رابطه با اقدامات حقوقی در وضعیت عادی کاربرد دارد اما از نظر من این اصول در رابطه با یک روند تحقیقات عمومی نیز که در چارچوب قانون تحقیقات 2005 جهت بررسی موضوعات مورد نگرانی عمومی ایجاد می شود، کاربرد دارد. این مخصوصاً در مواردی مصداق دارد که دلایلی برای بررسی دقیق و مفصل اقدامات مقامات حکومتی و سایر افرادی که امکان دارد اقدامات شان باعث جان باختن تعداد زیادی افراد شده باشد وجود دارد. بخش (1) 18 قانون تحقیقات روشن می سازد که جریان تحقیقات باید برای عموم علنی باشد و باید به مردم فرصت

معقول برای حضور در جلسات دادرسی و دسترسی به شواهد ارائه شده داده شود. در بخش (1) 19، صلاحیت محدود نمودن شرکت در روند تحقیقات و یا به اشتراک گذاری و یا انتشار هر گونه شهادت و یا سندی که به آن ارائه می شود ذکر شده است اما این محدودیتها تا جایی امکان پذیر است که به اساس قانون مورد نیاز باشد و یا اینکه تصور شود که به تیم تحقیقات در اجرای حیطه اختیارات آن کمک می کند و یا هم برای منافع عمومی نیاز باشد. محور روشن این بخشها اینست که تمام ابعاد تحقیقات باید برای بررسی عمومی باز باشد مگر اینکه دلایل قوی برخلاف آن وجود داشته باشد. من با وکلا موافقم که در این مورد فعلی، انتشار اسامی شرکت کنندگان اصلی یک فاکتور مهم برای درک عموم از جریان تحقیقات خواهد بود و درک بهتر جریان تحقیقات باعث ایجاد اعتماد بیشتر به توان تیم تحقیقات برای اجرای حیطه وظایف آن می شود. براین اساس، در اصل باید بتوان تمام کسانی که به عنوان شرکت کننده اصلی تعیین شده اند را شناسایی نمود و این کار در حمایت از باز بودن و شفافیت صورت می گیرد. در این مقطع من می توانم شیوه مناسب برای حذف اسامی شرکت کنندگان اصلی از لیست انتشار را مورد بررسی قرار دهم.

راه حل ها

7. تمام درخواست هایی که تا کنون دریافت نموده ام به عنوان درخواست ها برای اعمال محدودیت در چارچوب بخش 19 (b) (1) قانون تحقیقات تهیه شده اند اما همانطوریکه پیش از این ذکر نموده ام، بخش (b) (1) 19 پیرامون " به اشتراک گذاری و یا انتشار هرگونه شواهد و یا اسناد ارائه شده، تولید شده و یا تسلیم شده به روند تحقیقات" می باشد (تأکید من). از نظر من این به مسئله ای که فعلا تحت بررسی است مربوط نمی شود. اما نمی خواهم بگویم که من هیچ صلاحیتی برای محدود نمودن انتشار اسامی شرکت کنندگان اصلی ندارم؛ فقط از نظر من این موضوعی نیست که در چارچوب بخش 19 قرار گیرد. بخش (1) 17 قانون تحقیقات، صلاحیت تعیین رویه و نحوه انجام تحقیقات را به من می دهد منوط به این الزام که با عدالت عمل شود. این از نظر من شامل صلاحیت تصمیم گیری راجع به این می شود که آیا لیست شرکت کنندگان اصلی باید منتشر شود و اگر بله به کدام شکل باید منتشر شود و اینکه آیا اسامی برخی از شرکت کنندگان اصلی باید کاملا حذف شود و یا اینکه هویت شان از طریق استفاده از حروف اول نام های آنها مخفی بماند.

8. تحقیقات ماهیتا یک روند بررسی است و از نظر رسمی این روند دارای طرف های متقابل نیست اما با توجه به اینکه مردم و سازمان ها خیلی به کار روند تحقیقات علاقمندند، موقعیت شرکت کنندگان اصلی خیلی شبیه به موقعیت طرف ها در جریانات حقوقی می باشد. من هیچ تردیدی ندارم که در چارچوب بخش 17 قانون تحقیقات این صلاحیت را دارم که دستوراتی از قبیل آنچه تحت بررسی است را صادر نمایم و در موارد مناسب، وظیفه دارم که این کار انجام دهم، درست همانطوریکه دادگاه این صلاحیت را دارد که دستور دهد تا در جایی که به نفع عدالت لازم است، به طرف های یک قضیه در دادگاه طوری اشاره شود که هویت آنها فاش نشود. اما این موضوع پذیرفته شده است که هرگونه دستوری از این قبیل شامل دوری جستن از اصل عدالت آزاد و شفاف بوده و باید به اساس دلایل مرتبط با نیاز توجیه شود: به بحث مندرج در سند ذیل مخصوصا پاراگراف 17 مراجعه نمایید:

JX MX v Dartford and Gravesham NHS Trust [2015] EWCA Civ 96 [2015] 1 W.L.R. 3647.

9. در این مقطع لازم نیست تا فاکتورهای مشخصی را شناسایی نمایم که حذف نام یک فرد از لیست شرکت کنندگان اصلی را توجیه نماید اما شایسته است تا بعضی از نظرات عمومی را ارائه نمایم. مهم است تا به خاطر داشته باشیم که برخلاف سایر موارد که در آنها سوالاتی از این قبیل مطرح شده است، آنچه در این مقطع پیشنهاد می شود چیزی بیشتر از انتشار لیست اسامی کسانی که به عنوان شرکت کننده اصلی تعیین شده اند نیست. هدف این نیست که آدرس و یا هرگونه اطلاعات شخصی در این لیست شامل شود. و نه هم قصد ما اینست که نمایندگان حقوقی را شناسایی نمایم. شرکت کنندگان اصلی دارای موقعیت مشابه کسانی هستند که به عنوان شاهد عمل می نمایند و انتشار اسامی آنها هیچ گونه تأثیری بر آن ندارد.

اینکه آیا مناسب است تا نام یک شاهد مشخص منتشر نشود و یا اینکه اقدامات دیگری برای حفاظت از آن شاهد اتخاذ شود، موضوعی است که بعداً تعیین خواهد شد.

10. درخواست های برخی از شرکت کنندگان اصلی مبنی بر اینکه اسامی شان از لیست منتشر شده در وب سایت روند تحقیقات حذف شود، ماهیتاً شبیه درخواست هایی است که طی آن تقاضا می شود تا جلسات دادرسی به شکل خصوصی برگزار شود. پرداختن به آنها در فضای عمومی می تواند به هدف اصلی تحقیقات صدمه بزند. لذا من متقاعد شده ام که درست است تا اسامی آنها در اختیار سایر شرکت کنندگان اصلی و یا به صورت کل در اختیار عموم قرار نگیرد.